

د افغانستان د حقوق پوهانو سراسری تړلنه

انجمن سراسری حقوق دانان افغانستان

Global Jurist Association of Afghanistan



اعلامیه هیات اجراییه انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان

سیزدهم مارچ ۲۰۲۵ مطابق ۲۳ حوت ۱۴۰۳ شمسی

هیات اجراییه انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان، بمثابة مدعی العموم مردم افغانستان با درک عمیق از مسؤلیت تاریخی در برابر مادروطن و با تشخیص حلقه اصلی منافع ومصالح علیای کشور تشویش آتی را بحیث هوشدار با هموطنان عزیز مطرح مینماید.

دور جدید بازیهای سوپر شیطانی و انگریزی شیدان پاکستان، کدام اهداف و مقاصد را آماج قرار داده است؟

آیا سکانداران پاکستان با دوستان دیروز شان و حاکمان کنونی افغانستان مشکل دارند؟

و یا به اتکاً به حاکمیت طالبان، افغانستان را به مامن امن تروریستان مبدل میسازند!

اولیای امور پاکستان با مهارت و فراست انگریزی و با چنین دسایس، به انحراف اذهان از معضلات بزرگ داخلی شان میپردازند.

و بدین ترتیب ضمن سپید نمایی، نقشی را که در حدود نیم قرن اخیر بمثابة مرکز و حامی تروریستان جهان ایفا نموده اند و با این تیکه داری مالک ملیارد ها دالر گردیده اند، به افغانستان انتقال دهند و این بار، بحساب مقابله با تروریستان و باز هم بوجی های دالر، «حق الاجاره» را تصاحب نمایند.

این واقعیت که در نیم قرن اخیر، پاکستان مرکز شرارت پیشه گان جهان و بزرگترین زرادخانه تولید ذهنیت تکفیری و تروریستان است، از کفر ابلیس معروف تر و نیاز به اثبات ندارد.

با رهبری استخبارات جنگ اعلام ناشده پاکستان چهل و هفت سال قبل با تجهیز و اعزام تخریبکاران آغاز و تا کنون پاکستان و تحت قیادت جنرال نصیراله بابر گورنر جنرال وقت صوبه سرحد، گروه های تخریبی را آماده و تجاوز انکشور بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان و محمد داود فقید آغاز و تا کنون با شکل و شمایل متفاوت و به قیمت نابودی هستی مادی و معنوی افغانستان و شهادت میلیونها افغان ادامه دارد.

از بوالعجبی تاریخ که همین جنرال بایر در دور بعدی و در سال (۱۹۹۴ م) در سمت وزیر داخله در ایجاد هسته های اولی طالبان همان نقش قبلی را ایفا نمود و بی جهت نیست که از او بمثابه پدر معنوی تنظیم های جهادی و طالبان ، یاد میگردد.

داستان تضعیف و شکست جمهوری های افغانستان که به جمهوریت نرسیده اند ، بر وفق پلان استخبارات و نظامیان پاکستان رقم خورده است.

هدف از ذکر این موارد ، زنده ساختن « زخم های » گذشته نمی باشد.

ملحوظ نظر ما این حقیقت تلخ است ، با

افسوس و صد افسوس ! که درین حدود نیم قرن جنگ اعلام ناشده پاکستان و حتی از نخستین تجاوز نظامی انکشور بر مغلگی ولایت پکتیکا و زمان صدارت شاه محمود خان و تا کنون ، برنده بازی نظامیان و استخبارات انکشور است و ما مقهور ، مظلوم و ناکام گردیده ایم.

در تازه ترین مورد ، همان آقای ترامپ که در جنوری (۲۰۱۸ م) و در اولین توییت خود ، پاکستان را مرکز و حامی تروریسم اعلام نموده بود ، چند روز قبل در یک نمایش انتقال تروریست ، گویا عامل اصلی فاجعه خونین میدان هوایی کابل (اگست ۲۰۲۱ م) از دولت تروریست پرور و میزبان اوسامه بن لادن یعنی همین پاکستان تشکر نمود،

بدینرو:

باید آسیب شناسانه ، این سوال را در برابر خود مطرح نمایم که:

رمز اصلی و شاه کلید موفقیت پاکستان در چه نهفته است ؟

میرهن است که :

پاکستان تعریف دقیق و روشن از منافع ملی خود دارد که هر پاکستانی اعم از ملکی و نظامی ، ملا و تاجر و غیره بدان باوردارند . بر مبنای همین باورمندی هیچ زمامدار ، جنرال و مولانای متعهد به همین «خطر رسمی» از دشمنی با هندوستان و افغانستان دست نمیکشد.

و ما، برعکس هیچگونه تعریف از منافع ملی خود نداریم و در تشخیص مصالح علیای کشور عاجز هستیم . در سطح قوم ، محل ، مذهب و با آفت سکتاریزم و شونیزم مصاب گردیده ایم.

در احوال ناهنجار و اسفبار کنونی و درحالیکه مقدرات تاریخی ما در پیچیده ترین بازیها و رقابت های شدید رقبای ژنیو پولیتیک منطوقی و فرا منطوقی رقم میخورد ، ما به قرون اوسطی برگشته ایم و همه دین و آئین را در ریش و حجاب خلاصه ساخته ایم.

سه سال و هشت ماه است که فغانستان با فقدان دولت متعارف ، مشروع و قانون محور قرار دارد و نتوانسته و یا نخواسته است بحران حقوقی را مهار و راه رفتن به مشروعیت داخلی و شناخت بین المللی را ، پیدا نماید.

بدینترتیب:

در فقدان حاکمیت عقل و برخورد دور از عقلانیت سیاسی است که ما افغانستان را در راستای تحقق اهداف شوم دشمنان تاریخی خود قرار داده ایم.

یگانه راه واقعی نجات ما، توسل به « خود شناسی » و تشخیص اصلی « زخم ناسور » ناکامی ما، با تفکر عقلانی و « عقل نقاد » است تا از شعار زدگی و خوشی به « دال خور » خواندن دشمن و سر کشیدن شعار های غیر عملی، این سخن و خشورانه را ملاک عمل قرار بدهیم که:

« در نظام طبیعت، ضعیف پامال است! »

راه قوی شدن را تشخیص بدهیم، که همانا، تعریف دقیق منافع ملی و مصالح افغانستان است که با فکر کلان ملی، فراقومی، سمتی و مذهبی، در بحث و گفتن های کلان، مورد مباحثه قرار گیرد.

انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان برای دستیابی به این مأمول بزرگ وطنی، بیشتر از سه سال قبل نظرات مشخص و دکتزین مقابله با بحرانات و مسایل و مصایب افغانستان را مطرح و همگانی ساخته است که میتواند حلقه اصلی مفقوده منافع ملی را تشخیص و تعریف نماید. که بتوانیم بمتابه

حبل المتین (ریسمان نجات) به منافع و مصالح علیای افغانستان جنگ بز نیم و راه رفتن به دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر، منبعث از اراده آزاد مردم را مساعد بسازیم.

با

استمرار قوانین

استقرار حاکمیت قانون

و انفاذ قانون اساسی

میتوان بحران حقوقی را مهار و راه حل بحران مشروعیت داخلی را، با اعمال حق حاکمیت ملی مساعد بسازیم و افغانستان را از انزوای بین المللی و « مرگ تدریجی » نجات بدهیم.

افغانستان روز های دشوار و سرنوشت ساز را سپری مینماید و بازنده نگهداشتن امید ها و منحیث حسن ختام به دشمنان تاریخی وطن مشترک و عزیز خود میگوییم که:

تیت می مه بوله غورحنگ را باندی مه کره

زه په دي افتادگی کی لوی گرنګ یم

با حرمت

هیات اجراییه انجمن

میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن